

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نتیجه نهایی بحث بیع کلاب

نتیجه بحث کلاب این شد که ما طبق آن ملاکی که از آیه شریفه استفاده کردیم، بیع کلاب معلمه جایز است اما بیع کلاب غیر معلم – کلابی که به حسب ذات خودشان هستند و رها و ولگرد هستند – جایز نیست.

بحث بیع خنزیر

عنوان دومی که مرحوم شیخ فرمودند، حرمت بیع خوک بری هست نه خوک بحری. در بحث خنزیر یک مقداری از عبارات فقها را بخوانیم، بعد از خواندن عبارات، باید روایات این باب و این عنوان را بررسی کنیم تا ببینیم به چه نتیجه ای می رسیم.

بررسی عبارات علماء

اولین عبارت ، عبارت مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف است – این نکته را عرض کنم؛ بزرگان ما همچون شیخ انصاری (علی الله مقامه) در کتاب مکاسب وقتی می خواهد اقوال در یک مسأله فقهی را مطرح کند، از مرحوم شیخ طوسی شروع می کند. فتوای شیخ (ره) که به عنوان شیخ الطائفة بوده برای مجتهدین بسیار مهم است.

مرحوم آقاي بروجردي (قدس سره) که از اعظم فقهاء و اصولیین قرن اخیر بوده، ایشان هم در روش فقهی خود، همیشه (آن طوری که تلامذه ایشان بیان می کنند) به همین نحو بوده که از قول شیخ طوسی (ره) مطلب را شروع می کردند – قال الشيخ في الخلاف لا يجوز بيع شيء من المسوخ مثل القرد و الخنزير و الدب و الثعلب و الإرنب و الذئب و الفيل ، آن موجوداتی که مسخ شدند، مثل قرد (بوزینه)، خنزیر (خوک)، دب (خرس)، ثعلب (روباه)، إرنب (خرگوش)، ذئب (گرگ) و فیل و غیر ذلک، بیع اینها جایز نیست. ملاحظه می فرمایید یکی از اینها را هم خنزیر قرار داده، وقال الشافعي كلما ينتفع به يجوز بيعه مثل القرد والفيل وغير ذلك ، شافعی گفته هر چیزی که قابل انتفاع باشد بیعش جایز است، باز ملاحظه می کنید بین این فتوای شافعی در اینجا و فتوایی که در باب کلاب داد – که در کلاب گفت مطلقاً بیعش جایز نیست – چقدر اختلاف وجود دارد. بعد مرحوم شیخ (ره) فتوایش را که نقل می کند می فرماید: دليلنا إجماع الفرقة، دلیل ما اجماع فرقه است.

وأيضاً قوله (صلي الله عليه وآله): إن الله تعالى اذا حرم شيئاً حرم ثمنه، وهذه الاشياء محرمة اللحم بخلاف الآ الثعلب ، فقط

در روباه اختلاف وجود دارد، فإنّ فيه خلافاً، در ثعلب خلاف وجود دارد. بحث در این است که مرحوم شیخ در اینجا فرموده «دلیلنا إجماع الفرقه»، ظاهر این «دلیلنا» این است که ما در مقابل شافعی، که شافعی بیع قرد و فیل را جایز می داند و می گوید کلّ ما ينتفع به ، ما - یعنی امامیه - می گوییم لایجوز ، بیع قرد و خنزیر و دب و ثعلب جایز نیست. اکنون اینکه می گوید «دلیلنا إجماع الفرقه»، باز بگوییم یعنی شیخ طوسی ادعای اجماع کرده بر اینکه بیع خنزیر جایز نیست، یا نه این هم طبق همان توجیهی است که دیروز گفتیم که مبنای شیخ این است که چون فقهای امامیه اجماع دارند بر اینکه بیع نجس جایز نیست و مسوخ هم از مصادیق نجس است پس بیع مسوخ جائز نیست - البته در اینکه مسوخ به عنوان المسخ نجس است یا نه؟ باز اختلاف وجود دارد، ظاهراً کثیری از فقها که قائل به نجاستش هستند، از این باب قائل به نجاست است والا این طور نیست که ما بگوییم از عبارت شیخ طوسی استفاده می کنیم که حتماً اجماع طائفه بر خصوص بیع خنزیر و حرمت بیع خنزیر قائم است . -

مرحوم شیخ(ره) در نهاییه یکی از مکاسب محرمة را فرموده: ومن ذلک لحم الخنزیر، فبیعه وهبته وأکله حرام. وکذلک کلّ ما کان من الخنزیر من شعرٍ وجلدٍ وشحمٍ وغیر ذلک ، می فرماید بیع، هبه و اکل لحم خنزیر حرام است و همچنین بیع مو، پوست و چربی خنزیر هم حرام است. دقت کنید که این عبارت ولو در کتب فقها در بحث بیع خنزیر ذکر شده، ولی ما نباید این عبارت را ذکر کنیم، برای اینکه الان بحث ما در گوشت خنزیر نیست، بلکه بحث ما در این است که آیا بیع مجموع خنزیر زنده جایز است یا نه؟ نه بحث گوشت او هست و نه اکل گوشت او و نه بحث شعر و جلد و روغن او هست. کسی می خواهد خنزیر زنده را بفروشد، مشتری هم می خواهد خنزیر زنده را داشته باشد، می خواهیم ببینیم آیا بیع این خنزیر جایز است یا جایز نیست؟ خوب آنچه که حرام است لحم خنزیر است، ما که الان نمی خواهیم لحمش را بخریم، خود خنزیر به این صورت آیا جایز است یا نه؟ بنابراین از این عبارت مرحوم شیخ(ره) در نهاییه، نمی شود در اینجا استفاده کرد.

مرحوم شیخ(قده) در مبسوط فرموده: وإن کان نجس العین، مثل الکلب والخنزیر والفأرة و الخمر والدم اگر نجس العین باشد، مثل سگ، خوک، موش، شراب و خون، و مراد از موش، یعنی فضله موش و الا خود موش که نجس العین نیست، وما توالد منهم ، آنچه که از اینها متولد می شود، وجميع المسوخ وما توالد من ذلک أو من أحدها فلايجوز بیعه ولاجارته ولا الانتفاع به ولا اقتنائه بحال إجماعاً الا الکلب فإنّ فيه خلافاً ، ایشان می فرماید: بیع، اجاره و انتفاع به نجس العین جایز نیست. ظاهر عبارت شیخ(ره) در مبسوط این است که حتی اگر یک انتفاع حلالی هم باشد، مثل اینکه از خنزیر برای شخم زدن استفاده کنند یا در یک باغ وحشی نگهداری کنند، آن را هم جایز نمی داند، «اجماعاً» ادعای اجماع هم کرده، «الا الکلب»، که فرموده در کلب اختلاف وجود دارد. پس تا اینجا یکی در خلاف ادعای اجماع کرد که گفتیم آن اجماعش را به یک نحوی می شود توجیه کرد، یعنی واقعاً چون دأب شیخ(ره) در ادعای اجماعات این چنین بوده، در مبسوط هم همین طور. مرحوم علامه(ره) در منتهی می فرماید: قد احتج العلماء كافة علی تحریم بیع المیتة والخمر والخنزیر، بالنص والاجماع ، علماء بر تحریم بیع میتة، خمر و خنزیر به نص و به اجماع استدلال کرده اند. باز در کتاب مستند ، مرحوم نراقی فرموده: حرمة التکسب بهما ، یعنی حرمت تکسب به خنزیر و کلب، اجماعیة .

نقد اجماعات در کلمات علماء

یک مقداری از اقوال فقها را بیان کردیم ما می توانیم بگوییم از بعضی از عبارات شیخ(ره) مثل مبسوط و نیز عبارات علامه(قده) در منتهی، ادعای اجماعی بر اینکه «بیع خنزیر مطلقاً حرام و باطل است» داریم، اما چون این اجماع، محتمل المدرك است لذا اجماع در اینجا نقشی ندارد.

تقسیم روایات باب

و اما روایات در باب خنزیر، روایات متعدد وجود دارد. این روایات را چند جور می توانیم تقسیم کنیم؛ یک تقسیمی که مرحوم آقای خوئی (قدس سره) در مصباح الفقاهه دارند، می فرمایند از طائفه ای از روایات استفاده می شود بیع خنزیر هم بالحرمة التکلیفیه و هم بالحرمة الوضعیه حرام است. اما طائفه دوم از روایات دلالت دارد بر صحت بیع خنزیر وضعاً، ولی دلالت بر حرمت تکلیفی دارد. یعنی اگر کسی بیع خنزیر را انجام داد حرام است، اما دلالت بر صحت وضعیه دارد. نوع دوم تقسیم بندی به لحاظ بایع است.

از بعضی از روایات استفاده می شود که بیع خنزیر مطلقاً باطل و حرام است، بایعش مسلمان باشد یا نمی باشد. از بعضی از روایات استفاده می شود که بیع خنزیر صحیح است مطلقاً، بایعش مسلمان باشد یا نمی باشد. اما یک طائفه سوم می بین اینها تفصیل داده، بین آنجایی که بایع مسلمان باشد با جایی که بایع نمی باشد فرق وجود دارد.

بررسی روایات طبق تقسیم دوم

حالا ما روی این تقسیم بندی دوم شروع می کنیم، در ضمن بحث، از تقسیم بندی اول هم استفاده می شود و به آن اشاره می کنیم. پس ما الان باید سه طائفه روایات را بخوانیم، بعد ببینیم که آیا طائفه سوم قرینه می شود برای جمع بین طائفه اول و دوم یا خیر؟

روایات طائفه اول

اما در طائفه اول که دلالت بر عدم صحت مطلقاً دارد، یک روایاتی است که سندش طبق نظر مشهور تماماً ضعیف است، البته بعضی هایش روی نظر ما صحیح است، اما یا به حد استفاضه رسیده، و یا روی آن مبنایی که قبلاً عرض کردیم، گفتیم اگر در یک مطلبی هفت هشت عدد روایت بود، ما می توانیم ادعای تواتر اجمالی کنیم و تواتر اجمالی هم برای ما کافی است.

روایت اول

روایت اول، همان عبارتی بود که در روایت تحف العقول بود، که فرموده بود: **أَوْ شَيْءٍ مِنْ وَجْهِ الْحَرَامِ** ، آن وقت در وجوه حرام بیع میته، دم و لحم الخنزیر را مثال زد. و آنجا یک ضابطه ای داد که هر چیزی که در آن فساد است بیعش حرام است.

نقد دلالت روایت

نکته این است که در روایت تحف العقول هم بحث از لحم خنزیر است، و در روایت تحف العقول بحث اینکه اگر کسی بخواهد خود خنزیر را به صورت زنده بفروشد مطرح نشده است.

روایت دوم

روایت دوم در جعفریات است – که جعفریات را چند بار توضیح دادیم، که اسم دیگرش هم **الاشعثیات** است و عرض کردیم که آیا این اعتبار دارد یا نه؟ این کتاب در چه قرنی به ایران آمده؟ خود آن کسی که صاحب و مؤلف کتاب است مورد وثاقت است، اما این کتاب مال ایشان هست یا نه، شبهاتی وجود دارد. مرحوم آقای خوئی در بعضی از جاهای مصباح الفقاهه این کتاب را پذیرفتند، و در بعضی از جاها رد کردند. و گفتیم به آن جعفریات می گویند چون تمام آن روایاتی است که از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده – **باسناد عن علي بن أبي طالب (ع) قال من السحت ثمن الميتة ... و ثمن الخنزير، یکی از مصادیق سحت، ثمن خنزیر است. اینجا در خود خنزیر ظهور دارد.**

روایت سوم

روایتی است که در دعائم الاسلام نقل شده: **روينا عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن علي (عليه السلام) أن رسول الله (صلي الله عليه وآله) نهى عن بيع الأحرار وعن بيع الميتة والدم والخنزير والاصنام .**

نتیجه بررسی روایات طائفه اول

ما در روایات مطلقه و در طائفه اول، همین مقدار روایت بیشتر نداریم. منتها در بین این روایات، آن که به نظر ما سندش قابل اعتماد است روایت تحف العقول است – چون ما در اول سال، با اینکه کثیری از بزرگان، سند تحف العقول را نپذیرفتند، اما ما به تبع مرحوم شیخ صاحب جواهر (ره)، مرحوم نائینی (ره) و مرحوم سید یزدی (قده) گفتیم که این حدیث قابل اعتماد است – ولی آنچه که در تحف العقول آمده راجع به لحم خنزیر است و ما موضوع بحثمان بیع خود خنزیر است نه لحم خنزیر.

و اما بقیه روایات، هم از جهت سندی اشکال دارد و هم اینکه یک اشکالی را قبلاً از امام (رضوان الله علیه) نقل کردیم که فرمودند این روایاتی که در مقام احصاء محرمات هست، ما نمی توانیم به اطلاق اینها تمسک کنیم. روایت در مقام بیان محرمات است، می فرماید ثمن الکلب، ثمن الخنزیر، ثمن الميتة، فقط در مقام احصاء محرمات است، اما اینکه بگوییم پس ثمن الخنزیر مطلقاً حرام است، بایعش هر که می خواهد باشد و به هر قصدي می خواهد باشد، از این روایات نمی شود استفاده کرد. دو طائفه دیگر باقی می ماند که ان شاء الله عرض می کنیم. والسلام.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.